

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۳۱

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی
آموزشیار: آقای جمالی

مقدمه

در درس گذشته برخی از مبطلات روزه مانند فروردن اخلاط سر و سینه، جماع، احتلام و مستندات آنها بیان شد. در این درس به بعضی دیگر از مفطرات پرداخته می‌شود:

الف) بقاء عمدی بر جنابت

ب) کذب بر خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام

ج) رساندن غبار به حلق

د) ارتماس در آب

و در ادامه مصنف اقوال در این مفطرات را به همراه ادله قائلین هر یک از اقوال مطرح می‌نماید.

متن عربي

١٣. و اما مفطرية تعمد البقاء على الجنابة، فلموثق ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام: «رجل اجنب في شهر رمضان بالليل ثم ترك الغسل متعمدا حتى اصبح، قال: يعتق رقبة او يصوم شهرين متتابعين او يطعم ستين مسكينا...»^١ وغيره فان وجوب الكفارة يدل بالالتزام على المفطرية و وجوب القضاء.

و في مقابل ذلك صحيح حبيب الخثعمي عن ابي عبد الله عليه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله يصلي صلاة الليل في شهر رمضان ثم يجنب ثم يوخر الغسل متعمدا حتى يطلع الفجر»^٢ و صحيح العيص بن القاسم: «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل اجنب في شهر رمضان في اول الليل فاخر الغسل حتى طلع الفجر، فقال: يتم صومه و لا قضاء عليه» و غيرها.

و يرد الاول عدم امكان تصديق مضمونه، خصوصا مع ملاحظة التعبير ب«كان» الدالة على الشأنية فلا بد من حمله على بعض المحامل.

و الثاني مطلق لا بد من حمله على غير حال العمد لصراحة الموثق في النظر الى حال العمد.

ثم ان هناك تفصيلا في الحكم بمبطلية البقاء على الجنابة بغير عمد بين حالة استمرار النوم الاولى الى الصباح و بين حالة الاستيقاظ و النوم مرة اخرى، و ستاتي الاشارة اليه عند بيان الاحكام العامة للصوم.

١٤. و اما مفطرية الكذب على من ذكر، فقد ذهب اليها كثير لموثق ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام: «ان الكذب على الله و على رسوله و على الائمة عليهم السلام يفطر الصائم»^٣ و غيره.

١٥. و اما الغبار، فقيل بايجابه للقضاء و الكفارة- و قيل بايجابه القضاء فقط- لرواية سليمان بن حفص المروزي: «سمعتة يقول: اذا تمضمض الصائم في شهر رمضان او استنشق متعمدا او شم رائحة غليظة او كنس بيتا فدخل في انفه و حلقة غبار، فعليه صوم شهرين متتابعين، فان ذلك مفطر مثل الاكل و الشرب و النكاح»^٤.

هذا و المناسب حملها على الرجحان- ان كانت قابلة لذلك - بقرينة وحدة السياق مع المضمضة و الاستنشاق و شم الرائحة التي هي بيست من المفطرات جزما.

هذا بقطع النظر عن ضعف سند الرواية بالمروزي الذي لم تثبت وثاقته و بالاضمار بعد عدم كون المضمض من اجلة الرواة و الا فالامر اوضح.

و عليه فالمناسب عدم الحكم بمفطرية الغبار

١٦. و اما رمس الراس، فالمشهور مفطريته - و قيل بحرمة التكليفية فقط - لصحيفة محمد بن مسلم السابغة.

١. وسائل الشيعة: باب ١٦ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ٢.

٢. وسائل الشيعة: باب ١٦ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ٥.

٣. وسائل الشيعة: باب ٢ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ٤.

٤. وسائل الشيعة: باب ٢٢ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

الا ان فى مقابلها موثقة اسحاق بن عمار: «قلت لابي عبد الله عليه السلام: رجل صائم ارتمس فى الماء متعمدا عليه قضاء ذلك اليوم؟ قال: ليس عليه قضاءه و لا يعودن»^١

و قد يجمع بحمل الاولى على الحرمة التكليفية بقرينة نفي وجوب القضاء فى الثانية.

الا ان لازمه حمل الاضرار على الاضرار بالصائم بما هو مكلف و ليس على الاضرار بحثية الصوم، و هو بعيد جدا.

و قد يقال باستقرار التعارض و حمل الثانية على التقية الذى نتيجته الحكم بالمفطرة.

١. وسائل الشيعة: باب ٦ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

بقاء بر جنابت تا اذان صبح

اگر کسی عمداً تا اذان صبح بر جنابت باقی باشد، روزه‌اش باطل است؛ زیرا وظیفه او در وسعت وقت غسل و در تنگی وقت تیمم است و اگر به وظیفه‌اش عمل نکند روزه‌اش باطل می‌شود. و مستند آن روایتی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «مردی در شب ماه رمضان جنب شده است و عمداً غسل را تا صبح به تأخیر انداخته است؟ امام فرمود: رقبه آزاد کند یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام کند». روایت بر مفطرت و وجوب قضای روزه در حالت بقاء عمدی بر جنابت اشاره ندارد، بلکه مفطرت و وجوب قضا به دلالت التزامی از روایت فهمیده می‌شود، زیرا هر جا کفاره واجب شود، مفطرت و وجوب قضا نیز واجب می‌شود.^۱

در مقابل این روایت، روایت صحیحی از حبیب خثعمی وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله عمداً غسل جنابتش را تا طلوع فجر به تأخیر انداخت. و نیز روایت صحیحی از عیص بن قاسم وارد شده است که می‌گوید: «از امام صادق علیه‌السلام در باره مردی سؤال کردم که در ابتدای شب ماه رمضان جنب شده است و غسل را تا طلوع فجر تأخیر انداخته است، امام فرمود: روزه‌اش را تمام کند و قضا ندارد».

حال با توجه به آنچه گفته شد از یک سو برخی روایات دلالت بر وجوب کفاره دارند و از سوی دیگر روایاتی بر عدم وجوب کفاره دلالت می‌نمایند.

حل تعارض بین دو طایفه روایات

این دو روایت باید از جهت سند و دلالت بررسی شود. دلالت روایت خثعمی را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا در این روایت کلمه «کان» بر فعل مضارع داخل شده است و این ترکیب در زبان عربی دلالت بر استمرار می‌نماید، لذا معنی روایت این گونه می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه این گونه بوده است که عمداً غسل را تا اذان صبح به تأخیر می‌انداخته است و این معنی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله سازگاری ندارد؛ بنابراین ناگزیر باید این روایت را توجیه کرد به موردی که پیامبر عذری داشته است یا این که در ضیق وقت بوده و توانایی غسل را نداشته و تیمم کرده است و...

اما روایت عیص بن قاسم را نیز باید توجیه کرد به این گونه که، این روایت، مطلق است و شامل تأخیر عمدی و سهوی می‌شود، لذا ناچاریم برای حل تعارض، این روایت را بر مورد تأخیر سهوی حمل کنیم. و لذا معنی روایت این می‌شود: بقاء بر جنابت سهوی قضا ندارد؛ و اگر فرد عمداً جنابت را تا اذان صبح به تأخیر اندازد، کفاره و قضا بر او واجب می‌شود.

نکته: البته در این بحث به گونه دیگری نیز می‌توان وارد شده و آن این که: برخی از فقها فرق گذاشته‌اند بین این که خواب اول شخص باشد و یا خواب دوم، سوم و ... باشد. اگر عمداً چندین مرتبه بخوابد و زمانی بیدار شود که اذان صبح گفته شده است، در این صورت قضا و کفاره بر او واجب می‌شود، اما در صورتی که برای بار اول

^۱ اگر جنب در روز ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید باید آن روزها را قضا کند.

خوابیده و زمانی بیدار شده که وارد صبح شده است، در این صورت قضا و کفاره لازم نیست و توضیح این تفصیل در مباحث بعدی خواهد آمد.

تطبيق

۱۲. و اما مفترية تعمد البقاء على الجنابة، فلموثق ابى بصير عن ابى عبد الله عليه السلام «رجل اجنب فى شهر رمضان بالليل ثم ترك الغسل متعمدا حتى اصبح، قال: يعتق رقبة او يصوم شهرين متتابعين او يطعم ستين مسكينا...»^۱ و غيره فان وجوب الكفارة يدل بالالتزام على المفترية و وجوب القضاء.

۱۳ و اما دليل باطل شدن روزه کسی که در ماه رمضان عمدا (تا اذان صبح) بر جنابت باقی بماند، موثق ابى بصير از امام صادق عليه السلام است در مورد «مردی که در شب ماه رمضان جنب شده است و عمدا تا صبح غسل نکرده است امام فرمود: بنده‌ای را آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام کند». و نیز روایات دیگری که در همین معنی نقل شده است. زیرا وجوب کفاره به دلالت التزامی بر بطلان روزه و قضای آن نیز دلالت می کند.

و فى مقابل ذلك صحيح حبيب الخثعمي عن ابى عبد الله عليه السلام: «كان رسول الله صلى الله عليه و آله يصلى صلاة الليل فى شهر رمضان ثم يجنب ثم يوخر الغسل متعمدا حتى يطلع الفجر»^۲

در مقابل موثقه، صحیح‌های حبيب خثعمی از امام صادق عليه السلام است: «رسول خدا صلى الله عليه و آله در ماه رمضان نماز شب می خواند و سپس جنب می شد و غسل کردن را تا طلوع فجر عمدا به تاخیر می انداخت».

و صحيح العيص بن القاسم: «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل اجنب فى شهر رمضان فى اول الليل فاخر الغسل حتى طلع الفجر، فقال: يتم صومه و لا قضاء عليه» و غيرها.

و نیز روایت دیگری از عیص بن قاسم نقل شده که می گوید: «از امام صادق عليه السلام سؤال کردم درباره مردی که در اول شب در ماه رمضان جنب شده است ولی غسل کردن را تا طلوع فجر به تاخیر انداخته است؟ امام فرمود: روزه اش را تمام کند و قضا بر ذمه او نیست» و غیر این روایت.

و یرد الاول عدم امکان تصدیق مضمونه، خصوصا مع ملاحظة التعبير ب«كان» الدالة على الشأنية فلا بد من حمله على بعض المحامل.

اما عدم امکان پذیرش روایت اول، روایت را رد می نماید به ویژه با توجه به تعبیر با لفظ «كان» بر فعل مضارع که مفید استمرار است؛ پس ناگزیریم آن را بر وجوه دیگری حمل کنیم.

و الثانى^۳ مطلق لابد من حمله على غير حال العمد لصراحة الموثق فى النظر الى حال العمد.

۱. وسائل الشیعه: باب ۱۶ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۲.

۲. وسائل الشیعه: باب ۱۶ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۵.

۳. عطف بر «الاول».

و اما اطلاق روایت دوم، آن را رد می‌نماید و ناگزیر باید حمل شود بر موردی که بدون عمد بوده است؛ زیرا موثقه صراحت دارد به این که در حال عمد بوده است.

ثم ان هناك تفصيلا في الحكم بمبطلية البقاء على الجنابة بغير عمد بين حالة استمرار النوم الاولى الى الصباح و بين حالة الاستيقاظ و النوم مرة اخرى، و ستاتي الاشارة اليه عند بيان الاحكام العامة للصوم.

البته در این جا تفصیل دیگری نیز وجود دارد و آن این که بقاء غیر عمدی بر جنابت اگر با همان خواب اول تا صبح خواب بماند، روزه اش باطل نیست؛ اما در صورتی که قبل از اذان بیدار شود و دوباره بخوابد، روزه اش باطل است. تفصیل این قول در آینده نزدیک در بحث احکام عمومی روزه خواهد آمد.

Sco1: ۱۱:۳۰

دروغ بستن بر خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام

کسی که بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا یکی از اهل بیت علیهم السلام، عمداً دروغ ببندد بسیاری از فقها معتقدند که روزه اش باطل می‌شود^۱ و مستند این حکم موثقه ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است که امام می‌فرماید: «همانا دروغ بستن بر خدا و رسول خدا و ائمه علیهم السلام، موجب افطار شدن روزه می‌شود».

رسیدن غبار به حلق

اگر غبار غلیظ به حلق برسد، برخی از فقها قائلند که روزه شخص باطل می‌شود و قضا و کفاره بر ذمه او ثابت می‌شود و در مقابل، عده‌ای دیگر گفته‌اند: «فقط قضا کفایت می‌کند و کفاره ندارد».

مستند این مسأله روایت مضمراهی است که سلیمان بن حفص مروزی نقل می‌کند: «از او شنیدم که امام علیه السلام فرمودند: «هر گاه روزه دار در ماه رمضان آب را مضمضه کند یا عمداً استنشاق کند -یعنی آب را در بینی کند گرچه فرو نبرد- یا بوی غلیظی را استشمام کند و یا خانه را جارو کند و غبار در بینی و حلق او رود: باید کفاره دهد به این که دو ماه روزه بگیرد؛ زیرا این عمل همانند خوردن و آشامیدن و جماع کردن است.»

بررسی سند و دلالت روایت

مصنف از دو جهت روایت را بررسی می‌کند:

الف) بررسی سند: این روایت از جهت سند ضعیف است؛ زیرا سلیمان مروزی در کتب رجالی توثیق نشده است، علاوه بر این که این روایت مضمراه است^۲ و نام امام در آن تصریح نشده است.

۱. اگر کسی بر حضرت زهرا سلام الله علیها و یا یکی از پیامبران الهی عمداً دروغ ببندد، عده‌ای از فقها معتقدند که روزه اش باطل می‌شود.

۲. دروغ بستن ممکن است انواعی داشته باشد و به گونه‌های مختلف باشد که همه همین حکم را دارند؛ مثلاً، با گفتار، نوشتار، اشاره و انجام دادن کاری، نسبت دروغ فهمیده شود. و یا این که دروغ بستن به اشاره باشد یا کنایه، و نیز دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری، ... در همه این موارد روزه اش باطل می‌شود.

۳. و هو أن يُضمَر الراوی و لا یفصح عن اسم المعصوم علیه السلام فیسند القول إلى الضمیر، كأن یقول: قال...، أو سألته...، أو کتب إلى...، و نحو ذلك «بحوث فی مبانی علم الرجال؛ ص: ۳۰۶».

ب) بررسی دلالت: روایت از جهت دلالت نیز مضطرب است؛ زیرا در متن روایت استنشاق و استشمام آمده است در حالی که می‌دانیم این موارد مبطل روزه نیست، لذا قرینه سیاق روایت، مقتضی است که این مورد نیز مبطل روزه نباشد. بنابراین مناسب آن است که بگوییم غبار غلیظ مبطل نیست؛ زیرا دلیلی برای اثبات آن غیر از روایت سلیمان مروزی وجود ندارد که آن هم از جهت سند و دلالت ضعیف است و به قرینه وحدت سیاق دلالت بر استحباب کفاره می‌نماید.^۱

- | | | |
|---|---|--|
| <p>۱. خدای متعال
۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
۳. ائمه علیهم السلام</p> | } | <p>کسانی که دروغ بستن بر آنان موجب بطلان روزه می‌شود</p> |
|---|---|--|

تطبیق

۱۴. و اما مفطرية الكذب على من ذكر، فقد ذهب اليها كثير لموثق ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام: «ان الكذب على الله و على رسوله و على الائمة عليهم السلام يفطر الصائم»^۲ و غیره.

و اما دلیل این که دروغ بستن به خدا و پیامبر مبطل روزه است و بسیاری از فقها آن را مطرح کرده‌اند موثقه ابي بصیر از امام صادق علیه السلام است: «همانا دروغ بستن بر خدا و رسولش و بر ائمه علیهم السلام موجب باطل شدن روزه می‌شود.» و روایات دیگری که در باب وارد شده است.

۱۵. و اما الغبار، فقیل بايجابه للقضاء و الكفارة- و قيل بايجابه القضاء فقط- لرواية سليمان بن حفص المروزي: «سمعته يقول: اذا تمضمض الصائم في شهر رمضان او استنشق متعمدا او شم رائحة غليظة او كنس بيتا فدخل في انفه و حلقة غبار، فعليه صوم شهرين متتابعين، فان ذلك مفطر مثل الاكل و الشرب و النكاح»^۳.

۱۵. و اما رساندن غبار به حلق، عده‌ای گفته‌اند که تنها قضا واجب می‌شود و برخی از فقها گفته‌اند: قضا و کفاره واجب می‌شود به دلیل روایت سلیمان بن حفص مروزی: «از او (امام معصوم) شنیدم که فرمود: زمانی که شخص روزه دار در ماه رمضان آب را در دهان خود مضمضه کند یا عمدا آن را در بینی خود استنشاق کند یا بوی غلیظ را استشمام کند و یا خانه را جارو کند و غبار در بینی و حلق او وارد شود بر اوست که دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد، زیرا انجام آن همانند خوردن و آشامیدن و جماع کردن مفطر است.»

هذا و المناسب حملها على الرجحان- ان كانت قابلة لذالك - بقرينة وحدة السياق مع المضمضة و الاستنشاق و شم الرائحة التي هي ليست من المفطرات جزما.

^۱. قدما معتقد بودند اگر روایتی ضعیف باشد، «اخبار من بلغ»، استحباب محتوای آن را ثابت می‌کند که به این کار تسامح در ادله سنن گویند. البته برخی از معاصرین معتقدند محتوای «اخبار من بلغ» دلالت بر استحباب محتوای خبر ضعیف نمی‌کند، بلکه فقط دلالت می‌نماید بر این که اگر فردی محتوای روایت را عمل کند - مثلا کفاره بدهد - مستحق ثواب است نه این که استحباب اصل کفاره ثابت شود.

^۲. وسائل الشیعه: باب ۲ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۴.

^۳. وسائل الشیعه: باب ۲۲ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

حمل روایت بر رجحان و استحباب مناسب است -البته اگر این قابلیت حمل را داشته باشد- به قرینه وحدت سیاق، زیرا مضمضه و استنشاق و استشمام بو به طور قطع، جزء مبطلات روزه نیست.

هذا بقطع النظر عن ضعف سند الرواية بالمرزوي الذي لم تثبت وثاقته و بالأضمار^۱ بعد عدم كون المضمض من اجلة الرواة و الا فالامر اوضح.

حمل بر استحباب با قطع نظر از ضعف سند است، زیرا وثاقت مروزی در کتب رجالی ثبت نشده است و از سوی دیگر این روایت مضمضه است و راوی اضمار آورنده نیز از راویان بزرگ نیست (که مضمضه اش حجت باشد) و گرنه اگر اضمار آورنده از اجلا بود روایتش حجت بود (مثلا زراره از راویان بزرگی است که اگر روایت مضمضه‌ای بیاورد روایتش حجت است؛ زیرا او از غیر امام نقل نمی‌کند).

و عليه فالمناسب عدم الحكم بمفطرة الغبار
بنابراین مناسب است به مبطل نبودن غبار حکم شود.

Sc02: ۲۱:۳۰

مفطرت فرو بردن سر در آب

مشهور فقها گفته‌اند: «کسی که در ماه رمضان سرش^۲ را در آب فرو ببرد روزه‌اش باطل می‌شود»؛ در مقابل مشهور، عده‌ای از فقها برآنند که فرو بردن سر در آب، در ماه رمضان، حرام است اما موجب بطلان روزه نمی‌شود؛ یعنی شخص مرتکب معصیت می‌شود ولی روزه‌اش باطل نیست^۳.

مستند مشهور برای بطلان روزه؛ روایتی از محمد بن مسلم است که در مستند سوم نیز گذشت که «اگر مکلف از سه چیز اجتناب کند به روزه‌اش ضرر نمی‌رسد: خوردن و آشامیدن و جماع و فرو بردن سر در آب» در مقابل این روایت، موثقه اسحاق بن عمار وجود دارد که می‌گوید: «برای امام صادق علیه‌السلام عرض کردم شخص در حالی که روزه است عمداً سرش را در آب فرو می‌برد آیا قضا بر ذمه او می‌آید؟ امام فرمود: قضا بر ذمه او نیست اما تکرار نکند»

حل تعارض

الف) توجیه اول: برخی از فقها گفته‌اند که روایت محمد بن مسلم بر حکم تکلیفی حمل می‌شود؛ یعنی اگر کسی از آن اعمال اجتناب نکند، فعل حرامی مرتکب شده است. و ضرر به معنای ابطال روزه نیست، بلکه به معنای حرمت است و قرینه این حمل، روایت دوم است که وجوب قضا را نفی می‌کند. به عبارت دیگر؛ روایت دوم، نص در نفی وجوب قضا است و روایت محمد بن مسلم نص بر وجوب قضا ندارد، لذا نص بر غیر نص مقدم می‌شود.

اشکال مصنف

^۱. عطف است بر «بالمرزوی».

^۲. بسیاری از فقها موی سر را جزء سر نمی‌دانند، بنابراین اگر سر روزه دار زیر آب رود و موی آن بیرون باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

^۳. از معاصرین آقای شبیری زنجانی معتقد به این نظریه هستند.

این حمل، ضعیف و بدون پشتوانه علمی است؛ زیرا لازمه این حمل آن است که ضرر بر روزه دار وارد شود نه بر روزه و ضرر بر روزه به معنی ابطال روزه است و ضرر به مکلف به معنی عقوبت اخروی است؛ یعنی روزه مکلف باطل نمی‌شود و مکلف مرتکب معصیت می‌شود و این برداشت از روایت، صحیح نمی‌باشد، زیرا مرجع ضمیر (لایضر) روزه است نه مکلف.

ب) توجیه دوم: برخی از فقها سند و دلالت هر دو روایت را پذیرفته‌اند و لذا بین دو روایت تعارض ایجاد می‌شود و برای حل تعارض باید به مرجحات سندی مراجعه نمود و یکی از مرجحات اخذ به روایت مخالف تقیه است و در این‌جا روایت اسحاق بن عمار، موافق با تقیه است؛ زیرا اهل تسنن فرو بردن سر در آب را مبطل روزه نمی‌دانند، در نتیجه باید روایت محمد بن مسلم اخذ شود؛ یعنی کسی که در هنگام روزه سرش را کاملاً در آب فرو ببرد روزه‌اش باطل می‌شود.

مستندات برخی از مفطرات

مفطرت بقاء تعمدی بر جنابت، موثقه ابی بصیر است.

دلیل } مفطرت کذب بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام، موثقه دیگری از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است.
مفطرت رمس در آب (طبق نظر برخی از فقها) صحیح محمد بن مسلم است که رمس در آب به روزه ضرر دارد.

تطبیق

۱۶. و اما رمس الراس، فالمشهور مفطریته - و قيل بحرمة التکلیفیه فقط - لصحیحة محمد بن مسلم السابقه.

اما فرو بردن سر در زیر آب، مشهور گفته‌اند که مفطر است - گرچه برخی گفته‌اند که فقط حرام است و مبطل روزه نیست - به دلیل صحیح محمد بن مسلم که گذشت.

الا ان فی مقابلها موثقة اسحاق بن عمار: «قلت لابی عبد الله علیه السلام: رجل صائم ارتمس فی الماء متعمدا علیه قضاء ذلک الیوم؟ قال: لیس علیه قضاءه و لا یعودن»^۱

اما در برابر این روایت، موثقه اسحاق بن عمار است «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی در زمان روزه عمداً سرش را در آب فرو برده است آیا قضاء بر او واجب می‌شود؟ امام فرمود: قضا ندارد اما تکرار نکند.»

و قد یجمع بحمل الاولی علی الحرمة التکلیفیه بقرینة نفی وجوب القضاء فی الثانية.

ممکن است بین دو روایت جمع شود به این که روایت نخست به قرینه این که وجوب قضا در روایت دوم نفی شده است، حمل بر حرمت تکلیفی شود.

الا ان لازمه حمل الاضرار علی الاضرار بالصائم بما هو مکلف و لیس علی الاضرار بحیثیه الصوم، و هو بعید جدا.

لکن لازمه این حمل آن است که اضرار در روایت محمد بن مسلم، حمل بر اضرار بر شخص روزه دار شود و نه اضرار به نفس روزه، در حالی که این گونه تحلیل و برداشت با توجه به قواعد ادبی بعید است.

^۱ وسائل الشیعه: باب ۶ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

و قد يقال باستقرار التعارض و حمل الثانية على التقية الذي نتيجته الحكم بالمفطرية.
و نیز گفته شده که تعارض مستقر است و روایت دوم حمل بر تقیه شود که نتیجه حمل، حکم به مبطل بودن فرو بردن سر در آب است .

Score : ۲۸:۲۴

چکیده

۱. اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند روزه‌اش باطل است و دلیلش موثقه ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید کسی که تا اذان صبح عمداً غسل نکند باید کفاره بدهد و روشن است که به طریق اولی باید قضایش را انجام دهد.
۲. توجیه روایتی که می‌گوید پیامبر تا اذان صبح عمداً بر جنابت باقی مانده این است که بقاء بر جنابت تا اذان صبح به صورت غیر عمدی بوده است.
۳. دلیل این که دروغ بستن عمدی بر خدا و پیامبر و ائمه علیهم‌السلام موجب بطلان روزه می‌شود، موثقه ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام است.
۴. دلیل کسانی که گفته‌اند رساندن عمدی غبار به حلق موجب بطلان روزه می‌شود، روایت سلیمان مروزی است. اما مصنف با توجه به سیاق روایت و نیز عدم توثیق راوی در کتب رجالی، این حکم را نپذیرفته است.
۵. دلیل مشهور بر مفطرت فرو بردن سر در آب صحیححه محمد بن مسلم است .
۶. جمع روایاتی که رمس در آب را مفطر می‌دانند با روایاتی که رمس را مفطر نمی‌دانند به این است فرو بردن سر در آب تنها موجب حرمت تکلیفی است و روزه را باطل نمی‌کند، چنانکه برخی از فقها گفته‌اند.